

آسمان سقفی برای کلاس...

سیمین بینا
کارشناس آموزش کودک و نوجوان دربارهٔ مدرسهٔ وارث



برای پیدا کردن کرم‌های خاکی، خاک را زیرورو کردم و چقدر آفتاب و ستاره و باد و باران و برف را تجربه کردم! چندی نگذشت که خبر افتتاح مدرسه طبیعت دیگری به گوشم رسید: «مدرسهٔ طبیعت وارث».

وارث برایم خاطرات زیبایی از طبیعت‌گردی با بچه‌های دبستانی را در سال‌های قبل داشت. یک جنگل زیبا بکر و پر از شگفتی! و این بار شانس نصیب من شد که برای گرفتن پاسخ سؤالاتم به آنجا سفر کنم.

غروب بارانی ۱۶ مهر ۹۴ من در وارث با یک دنیای شگفت‌انگیز و جدید روبه‌رو شدم. تغییرات زیادی را دیدم؛ طبیعت همان طبیعت بود ولی فضاهای پررمز و رازی همراه آن شده بود.

خانه‌های درختی، پل معلق، تاب و طناب و پله، قایق و بیشه و ...

سراسر این چند هکتار جنگل زیبا بسیار خلاقانه به‌دست دوستان طبیعت شکل جدیدی به خود گرفته بود. یک گردش یک ساعته در آن برای دیدار از بخش‌های مختلف، هیجان مرا دو صد چندان کرد. آن روز مدرسه منتظر حضور کودکان ۳ تا ۱۲ ساله از شهرهای دور و نزدیک وارث در بندر کیشهر بود.

بهار ۱۳۹۴ بود که شنیدم در مشهد مدرسه‌ای تأسیس شده است به نام «مدرسهٔ طبیعت کای کنج». با تعجب پرسیدم: - مدرسهٔ طبیعت؟ قرار است در این مدرسه چه کنند؟

چندی بعد، دوستی شانس رفتن به آن مدرسه را پیدا کرد و برایمان خبر آورد که در آن چند هکتار زمین طبیعی و ناب در دل شهر مشهد از یک بچه تا ده‌ها بچه می‌توانند آزادانه و سرخوشانه بدون بازی کنند. تاب‌سواری کنند، خاک را زیرورو کنند، گل درست کنند، دستی بر پشت خرگوش‌ها بکشند، اگر دوست داشتند قایقی کاغذی بسازند و روانهٔ جوی آب کنند، آتشی روشن کنند و سیب‌زمینی‌ای در آن کباب کنند، به دنبال مرغ و خروس‌ها راه بروند و جوجه‌ها را در بغل بگیرند، تخم‌مرغ‌های تازه را در دست‌هایشان بگیرند و گرمای آن‌ها را حس کنند، چوب اره کنند و خانه بسازند، دور حوضچه‌ای بدون و به دنبال ماهی و قورباغه و حلزون باشند، صدای پرندوها را بشنوند و آن‌قدر دنبالشان بدونند تا به آن‌ها برسند.

به یاد کودکی خودم افتادم؛ چقدر از درخت بالا رفتم تا گیلاسی بچینم و طعم تازگی آن را بچشم! چقدر برای داشتن سبزی در ساندویچ نان و پنیرم در باغچه بدر ریختم! چقدر برای گرفتن ماهی در حوض خانه به درون آن شیرجه زدم؛ چقدر



چه روزی را تجربه خواهند کرد این کودکان! و دکتر عبدالحسین وهابزاده، خالق این ایده ناب در ایران (تأسیس مدارس طبیعت مهمان) آنجا بود و البته شاید میزبان. او آنجا بود تا برای همه دوستداران طبیعت، که آن عصر به یاد ماندنی را در آنجا سپری می کردند، بگوید که چرا تدریس در دانشگاه را رها کرده و به سراغ کودکان آمده است تا به آن‌ها بگوید که «کودکان نقطه شروع حفظ محیط زیست‌اند» و «برای کودکان احساس کردن بیش از دانستن اهمیت دارد» و «طبیعت عواطف کودکان را برمی انگیزد و هر تجربه مستقیم و بی واسطه‌ای که کودک با طبیعت دارد، به شناخت می‌انجامد و این یک یادگیری بادوام است». و بگوید این‌ها دلایل و ضرورت‌های ایجاد مدارس طبیعت‌اند.

این ایده ارزشمند در وارث به بار نشسته و مدرسه‌ای شکل گرفته است که در آن کودکان ۳ تا ۱۲ ساله می‌توانند در بخش‌های مختلف کشف و جست‌وجو و تجربه بی‌واسطه داشته باشند و لذت آن را تا سال‌ها با خود همراه کنند و بدین گونه، طبیعت را بخشی از خود و خود را بخشی از طبیعت بدانند تا به آن عشق بورزند و برای حفظ آن تلاش کنند.

من دیدم که در مدرسه وارث، سه بخش مجزا برای سه گروه سنی ۶-۳ سال، ۹-۶ سال و ۱۲-۹ سال طراحی و هر بخش با توجه به ویژگی‌ها، توانایی‌ها و نیازهای آن گروه آماده شده است. علاوه بر این، فضاهای عمومی دیگری هم هست که برای همه قابل استفاده است؛ مانند گلخانه برای کاشت و تکثیر و نگهداری گیاهان، محلی برای شن‌بازی، دریاچه‌های کوچک در کنار اتاقکی برای ساخت‌وساز، فضایی برای حیوانات خانگی و البته کلبه‌های چوبی (پاد) برای استقرار یک یا چند روزه بازدیدکنندگان. وقتی بچه‌ها تصمیم دارند برای دیدن آسمان سرمهای پرستاره در کنار آتش گرم، خنده‌ها و ترس‌های کودکانه را تجربه کنند، به صدای جیرجیرک‌ها گوش کنند، با خیالشان به دورترها سفر کنند، آرزوهایشان را به ماه آویزان کنند، با هم آواز بخوانند، همراه دعاهایشان برای این همه بخشش زمین، روانه کلبه‌ها شوند و شب آرام



را در دل طبیعت به صبح برسانند تا شروع فردایی تازه‌تر. سفر من آن روز تمام شد و فردایش خبرهای جدیدی شنیدم: مدرسه طبیعت «کیکم» در کرمانشاه
مدرسه طبیعت «کنکاج» در بیرجند
مدرسه طبیعت «سیار» در تهران
مدرسه طبیعت «نوج» در ساری
مدرسه طبیعت ...!